

سرشناسه: صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -، مصاحبه‌شونده
عنوان و نام پدیدآور: اجتهاد یویا از منظر فقیه اهل بیت عصمت و طهارت
علیهم السلام حضرت آیه‌الله‌العظمی صانعی مدظله/ تدوین موسسه فرهنگی
فقه‌الثقلین.

مشخصات نشر: قم: فقه الثقلین، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۸۴ ص. / فروست: اندیشه: ۱.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۷ - ۱۹ - ۵۲۸۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -- مصاحبه‌ها

موضوع: فقه -- پرسشها و پاسخها

رضوانی، عبدالکریم، مصاحبه‌گر

شناسه افزوده: مرکز مطالعات و تحقیقات موسسه فرهنگی فقه الثقلین

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف۳ ص/ ۱۲/۲۳۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۲۴ / شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۳۸۰۲۳

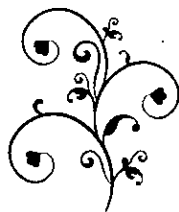


اندیشه ۱

اجتهاد یویا

از منظر فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
حضرت آیه‌الله‌العظمی صانعی مدظله

۱۳۹۳



اندیشه / ۱

اجتهاد پویا

از منظر فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله



انتشارات فقه الثقلین

ناشر: انتشارات فقه الثقلین

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

لیتوگرافی: نویس ■ چاپ: علوی

نوبت چاپ: اول ■ بهار ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه ■ بها: ۳۵۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۱۹-۵۲۸۰-۶۰۰-۹۷۸

تمامی حقوق محفوظ است

دفتر مدیریت: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۳۷ (سپاه)،

فرعی ۵ (ناصر)، پلاک ۱۶۲

تلفن: ۸-۱-۳۷۸۳۵۱۰۱ (۰۲۵) / فاکس: ۳۷۸۳۵۱۰۹ (۰۲۵)

دفتر فروش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، واحد ۱۳۴

تلفن: ۳۷۸۳۵۰۹۰ (۰۲۵) / فاکس: ۳۷۸۳۵۰۹۱ (۰۲۵)

نشانی سایت: www.feqh.ir / نشانی ایمیل: info@feqh.ir

فهرست مطالب

۷	سخن نخست
۷	اجتهاد در بستر زمان
۱۷	گفت و گو پیرامون فقه جواهری و حقوق بشر
۱۹	تقدیم
۲۳	متن پرسش و پاسخ
۵۹	گفت و گو پیرامون فقه سنتی و فقه پویا
۶۱	تقدیم
۶۴	متن پرسش و پاسخ
۸۰	کتابنامه

سخن تحت

اجتهاد در بستر زمان

فقه به عنوان یک علم برتر که محصول تلاش عقل آدمی است، وظیفه‌ی تعیین تکلیف فرد فرد جامعه انسانی را در مقام عمل و رفتار، باروش‌ها و مبادی مخصوص به خود، برعهده دارد، و از این جهت به صورت یک دانش عملی و کاربردی و راهنمای عمل آحاد بشر در تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی آنان می‌باشد.

فقهی که می‌خواهد و می‌باید در عرصه‌های گوناگون و پیچیده امروزی جامعه، و حتی فرد حضور داشته باشد، می‌بایست به جای باریک بینی‌های معهود و دقت‌ها و

موشکافی‌های مسائل و موضوعات شناخته شده و یا از کار افتاده، به بحث و عمق و ژرفای موضوعات و قضایایی پردازد که در ابعاد مختلف زندگی جدید بشری حادث گشته‌اند. به قول برخی از بزرگان، در فقه و اجتهاد امروز، باید سیر عمودی حرکت‌های فکری و فقهی به سیری افقی تغییر یابد تا همه گستره و عرصه‌های زندگی بشر و جوامع انسانی را در بر گیرد.

علم فقه از وسیع‌ترین و گسترده‌ترین علوم اسلامی است. در فقه تمام مسائل و موضوعاتی که شامل همه شیوئات زندگی بشر می‌شود مطرح است و مسایلی که در جهان امروز بنیان حقوق بشر طرح می‌شود با تمام انواع مختلفش مانند: حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق خانوادگی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و ... در ابواب مختلف فقه به نام‌های دیگر برآکنده هستند.

این تعدد و تکثر فروع فقهی، با توجه به چگونگی ورود فقها در ابعاد مختلف جوامع زمان خود، این امر را از فقه را رشد و غنای قابل قبولی رسانده است.

علاوه بر رشد کمی فقهی و چندین برابر شدن ابواب و فروع فقهی نسبت به گذشته، فقه و فقاہت در اعصار مختلف، رشد کیفی زیادی بر خود دیده است. هر چند که این رشد در ادوار گذشته، سیر یکسانی نداشته است؛ اما می‌توان گفت: رشد کیفی پا به پای رشد کمی، از شتاب باز نایستاده، بلکه در برخی از منہ نیز پیشتازی خود را ثابت نموده است.

برخی از این نوآوری‌ها در فقه به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت: انقلابی در فقه به وجود آورده است. یک نمونه از آن علامه حلی است که در قرن هشتم، فتوای به نجس نبودن آب چاه به صرف ملاقات با نجس دادند.

این نظر گاه به گونه‌ای از اتقان و استحکام برخوردار بود که پس از وی تماماً آن را تأیید نمودند.

در طول سالیان متمادی از اجتهاد شیعی و سابقه‌ی هزار و دویست ساله آن، این حوزه علمی از بین خود، فقیهان بسیاری را تربیت نمود که طلایه‌داران میدان بزرگ فقاهت و اجتهاد و استنباط گشته‌اند. برخی از فقیهانی که به نوآوری و تجدید مکتب و نظامات فقهی در ادوار مختلف شهرت دارند از آن جمله‌اند: ابن جنید اسکافی، ابن ادریس حلی، شهید اول و ثانی، محقق اردبیلی، میرزای قمی، صاحب جواهر... هر یک از این فقیهان نامدار در عصر خویش با ارائه آراء و متد جدید در فقاهت، آثار ارزشمندی را پدید آوردند که موجب تکامل و احیای مجدد فقه گشته است.

در روزگار ما با این که فقه از موقعیت و مرتبه والایی برخوردار است و فقهای بزرگی چون حضرت امام خمینی علیه السلام در فقه دریچه‌های نوینی را گشودند، اما با این حال بالندگی و پویایی امروز آن، برآورده‌ی قامت او نیست. فقیهان زیادی از سالیان پیش به این ایستایی فقه توجه نمودند و در آثارشان بدان متذکر شدند. شاید بتوان با گمانه‌زنی‌ها به این مشکل و رکود پی برد. لیکن به نظر

می‌رسد هم اکنون نیز بار منفی و خسارت آن با پیدایش ایده‌های نه چندان همگون با مراکز و حوزه‌های علمی ادامه یابد و ابر تاریکی را برای برهه‌ای بر فقه و فقاہت بساید. با این وجود، ظهور شاگردانی از مکتب حضرت امام علیه السلام همانند فقیه نواندیش حضرت آیه الله العظمی صانعی (مدظله) بارقه‌ی امید را گسترانیده و نوید حریت فکری و عقلانیت فقهی را در حوزه‌های علمیه بارور نموده است. وی در فقه و علوم اسلامی، نگاه جدیدی را با استفاده از مبانی اجتهاد باز کرده است که باعث تحرک بخشی به فقه و حل مصادیق و موضوعات مختلف فقهی و پاسخگویی به نیازهای جوامع انسانی و اسلامی گشته است. نگاهی گذرا به برخی از فتاوی مؤثر و نقش آفرین معظم له در جامعه، به خصوص جوامع بین المللی، آفت حمله و تعرض ملل و مذاهب دیگر را به باطن فقه اسلامی، بلکه اسلام عزیز مصون نگاه داشته است. بخشنامه محترم مخفی نیست که یکی از فتاوی این فقیه اهل بیت علیهم السلام و طهارت علیه السلام، بلوغ دختران در سیزده سالگی است. در این زمینه قضیه ذیل پیرامون همین فتوا خواندنی است:

در یکی از ملاقات‌هایی که در چند سال پیش، پس از انتشار دو جلد کتاب استفتائات قضایی از محضر معظم له با یکی از مسئولین مرکز تحقیقات قوه قضاییه در تهران داشتیم، ایشان به سفر هیأتی که برای تعامل علمی با برخی کشورهای اروپایی انجام داده بودند اشاره نموده و در کشور آلمان با اشاره به بحث و گفتگوی هیأت ایشان با

هیأت مذاکره کننده کشور مقابل، به تعریض طرف مقابل به فتوای نه سالگی دختران پرداخت. مسئول مذکور ادامه داد: من مستأصل شده بودم و بلافاصله فتوای آیه الله صناعی به ذهنم آمد و جواب دادم چنین نیست که همه فقها دختران نه ساله را بمانند زنان بزرگسال تشبیه نمایند و همان احکام و وظایف بزرگسالان را از این دختران توقع داشته باشند، بلکه برخی از فقهای ما فتوای به سیزده سال برای دختران قائلند و من می توانم مستندش را ارائه نمایم.

به هر حال، نمونه های دیگری نیز پیرامون برخی دیگر از ضرایع معظم له وجود دارد. که این مقال را مجال طولانی شدن نیست.

باید توجه داشت، بالندگی فقه و فقاہت در دیدگاه و استنباطات این فقیه نواندیش، این نیست که حجم یا فروع و مسائل آن افزون گردد، که این امر جای خود دارد. بالندگی و پویایی فقه، علاوه بر رشد کمالی فقه و فقاہت و توانایی آن در برطرف نمودن مشکلات و دشواری های جامعه، روش های استنباط احکام و متدهای اجتهادی نیز، همواره باید رو به تکامل و ترقی باشد. نباید پنداشت که همه ی آن شیوه های اجتهادی و راه های استنباطی بیان شده از گذشتگان از علمای اعلام (قدس الله اسرارهم) قابل توسعه و تکمیل نباشد. دست آوردهای بهتر و جدیدتر در گرو تکامل و دست یافتن به شیوه های برتر اجتهادی است. در مکتب اسلام و قرآن عزیز، اصول کلی و فراگیر برای اداره جامعه بیان شده و خط مشی اصولی آن بر

مبنای قسط و عدل و نفی ظلم و ظلم‌پذیری استوار گردیده است. این اصول ثابت، که در هر عصر و شرایطی جاویدان می‌باشد، می‌بایست از سوی فقیه برای اجتهاد و استنباط به کار گرفته شود و در شعاع همین اصول، احکام و فقه اسلامی تبیین و پیاده گردد.

این فقیه نواندیش شیعه نیز، با همین اصول حاکم و ظرفیت بخشی عقلانی به فقه، در کنار درایة الحدیثی جامع به روایات و سنت معصومین علیهم‌السلام و فقه اسلامی نمائند: «کرامت و حقوق انسان‌ها»، «اصل سهولت در حکام شرعیّت»^۱، «اصل عدل و نفی ظلم»^۲ و ... جامعیت فقه را در پاسخگویی به نیازهای نو پیدای جوامع به منصب ماموریت رساندند.

توجه این فقیه عظیم به مکانیزم‌ها و منابع اصیل فقهی که مراجع و مستندات استنباط احکام به شمار می‌آیند، بر ابداعات و مضمون و محتوای آرای فقهی و اسلامی ایشان غنای خاصی داده است. البته روشن است خروج از این منابع که دارای استعداد عظیم و پایان‌ناپذیر است، ورطه‌ی سقوط و قرائت به رأی را به

۱. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ اسراء (۱۷): ۷۰.

۲. ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ بقره (۲): ۱۸۵: «... یعنی با الحنفیة السهلة السمحة...». فروع کافی ۵: ۴۹۴. کتاب النکاح، باب کراهیة الرهبانية و ترک الباء، حدیث ۱: عوالی اللثالی ۱: ۳۸۱: المسلك الثالث، حدیث ۳.

۳. ﴿وَمَثَلُ كَلِمَتٍ رَثِيمًا صِدْقًا وَعَدْلًا﴾ انعام (۶): ۱۱۵. ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَمَلِ﴾ فصلت (۴۱): ۴۶.

فقه تحمیل خواهد کرد. نیاید روزی که فقه بالنده شیعی برای کشف و راه‌اندازی اهداف پیچیده و خاص، روی به قیاس و استحسان و استصلاح و تأویل و تأوّل و غیره آورد. صانعه الله عن الحدّثان و الخسران.

به هر روی، بر اهل فن و نظر پوشیده نیست که به کارگیری چنین ابزارها و روش‌ها، با فقه جواهری نه تنها ناسازگاری ندارد، بلکه همسو و در راستای همین هدف ترسیم شده است. روش‌هایی که در چارچوب منابع اجتهادی و قواعد کلی توسط فقیه به کار گرفته می‌شوند، همان روند و مسیر و مجرای فقهی است که در زمان حوسب در کتاب قیم جواهر به کار گرفته شد. اما این فرآیند با تک‌بر همان موازین و ملاکات متداول باید در کار آمدن و پاسخ‌گویی به مسائل و رفتارهای جدید و نوین، تکامل یابد. با فقه را از حالت سکون بیرون آورده و ایده‌ها و ساختارهای آیینی را در حل معضلات و حیات زندگی مدرن انسان‌ها ایفا نماید. از جمله‌ی این تحرک و ساختارسازی در بدنه اجتهاد و استنباط که توسط فقیه نواندیش، شکل جدیدی را به فقه عنایت نموده است، تمسک ایشان به دو عنصر عقل و عدل و بازیافت جایگاه و نقش آنها در فرآیند استنباط احکام است. استفاده از قواعد عقلی باعث برون‌رفت فقه از خطر تحجرگرایی و جمودی‌گری خواهد بود. توجه به این حقیقت، به دور از افراط و تفریط، فقه و محتوای آن را به عقلانیت سوق خواهد داد. فقهی که باید در دنیای امروز و

در دهکده جهانی در تعامل با ملل و جوامع دیگر، ظرفیت برتر و توانمندی خود را نشان دهد و به اغنای درون و اشباع برون برسد. نیاز زمانه و وجود تشکیکات فزاینده در متن جامعه، دست‌رسی به فقه عقلاتی را شتاب بیشتری بخشیده است. به همین جهت این سلسله نیازها تحولی دیگر را در به کارگیری روش‌های فقه‌ای طلب می‌کند تا عرضه آن موجب اقبال و گرایش به دین و شریعت عزیز گردد و از همین منظر نیز به شبهه زدایی و دفع تعرض احتمالی به حوزه‌ی فقه‌ای و تحلیل اجتهادی منجر شود.

نقش مجتهد در تکامل نظام فقهی و رشد و بالندگی آن، نقش مؤثر و تعیین‌کننده است. چرا که رویدادها در عصر مدرن یکی پس از دیگری به سرعت در بستر زمان در حال به وجود آمدن هستند و تنها راه جواب‌گویی به این تحولات، تطبیق دستورات کلی اسلام بر موضوعات و استنباط احکام و پدیده‌های نو و درگیر شدن مجتهد و فقه پژوهان فرزانه با این پدیده‌ها و پیشامدهاست. در شناخت صحیح، و درک شرایط زمان و مکان^۱ و افراد از بایسته‌های سیستم اجتهاد باز است و مجتهد اعلم به زمان و اعلم به مردمان می‌تواند با به کارگیری روش‌های متناسب، راه‌گشا و مشکل‌زدای آنها باشد؛ چرا که فقه بیان احکام عملی جامعه است که روند آن طبق شرایط زمان و مکان در حال تحول است. شاید بتوان گام آغازین این حرکت و

۱. همان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العلم بزمانه لا یتجسم علیه

پویایی در فقه را کندوکاو در موضوع احکام دانست. این موضوع شناسی در فقه پویا و شناخت زیر ساخت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و ... عرصه‌ها و بسترهای تحریک بخشی به فقه سنتی را احیاء می‌کند و به موضوعات و مصادیق خارجی عینیت می‌بخشد.

موضوع‌یابی در عرصه‌های واقعیت موجود، فقیه را در بررسی و استنباط مسائل شرعی و نیازهای فقهی در شرایط مختلف، ورزیده می‌کند.

طرد موضوع و بیگانگی نسبت به آن، همانند درمان نابجاست که می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد. نمی‌توان گفت: فقیه به موضوع کاری ندارد؛ زیرا عناوینی وجود دارد که فقیه باید مرز آنها را معین سازد و عرف و مکاتیب را یارای تشخیص و تعیین آن موضوعات نیست.

بنابراین، شناخت درد، خود نیمی از درمان است و با فهم دقیق و همه‌جانبه از موضوع استنباط، نیمی از طریق اجتهاد و استنباط نیز برآورده می‌شود.

اجتهاد بالنده، چنین اقتضائاتی را به حوزه‌های علم و فقاہت ارزانی می‌کند و خط بطلان بر تفکر جمود و تحجر می‌کشد. باشد که با همت بلند مردان علم و فضیلت و فقاہت، مکتب حیات بخش اسلام، به درستی معرفی گردد تا ملت‌ها و جوامع بشری از بلندای آن بهره‌مند شوند.

سلسله مباحث «اندیشه» که پیش روست با همین نگاه

اصیل و بنیادی، در جهت حل برخی دغدغه‌ها و چالش‌های موجود در حوزه فکر و علوم پدید آمد. این مجموعه با الهام از منابع و مراجع غنی دین و شریعت به طرح دیدگاه‌هایی می‌پردازد که در جای خود، محل تضارب و تخالف آراء قرار گرفته است. در این مجموعه سعی شده است موضوعات مختلف و مورد ابتلاء به صورت متقن و مستدل بدان پرداخته شود تا جوابی روشن و منطقی برای مخاطبین خود به ارمغان آورد.

ما را اعتقاد بر این است که میدان عقل و فکر برای عقل و تفکر و میدان تفکر و تعقل برای تدبیر و تعمق بیشتر همراه با تجربه بر اصول و قواعد مسلم دینی، از عمق فرهنگ فرآیندی، خاسته و قرآن مشوق بلند مرتبه در احیای این روش در کالبد بشر بوده است.

اینک جزء اول این مجموعه، با عنوان «اجتهاد پویا» تقدیم صاحب نظران و علاقه‌مندان آن می‌گردد؛ به امید آنکه این راه ادامه یافته و در مسیر خود نقد و نظر علمی اهل نظر را بدنبال داشته باشد. انشاءالله

والحمد لله رب العالمین